

در قلمروی مغولان بزرگ

● یزدان فرخی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

۱۹۸۲»، «ادبیات اسلامی هندو - ادبیات سند - ادبیات کلاسیک اردو، ویسبادن، ۱۹۷۳-۵»، «شعر بابر پادشاه، ۱۹۶۰»، «نفوذ زبان ترکی در شبه‌قاره هند، کراچی، ۱۹۹۹» و موارد بسیاری اشاره کرد.

اثر حاضر با پیش‌گفتاری از مؤلف آغاز می‌شود که در آمدی بر موضوع مورد بحث کتاب فرهنگ و تمدن هند در دوران مغولان کبیر یا گورکانیان هند محسوب می‌شود. در این بخش، مؤلف روش تحقیق طولانی و دامنه‌دار خود را شرح می‌دهد و به قدردانی از استادان حوزه‌های مطالعات شبه‌قاره مثل مارک زبروفسکی، فیلیپا ووگان، ضیاء، آ. شکاب و غیره می‌پردازد. سپس با دیباچه‌ی تاریخی بسیار کوتاه، وارد موضوع بحث می‌شود.

با این که اثر حاضر از بخش‌بندی معمول پیروی نمی‌کند و فصل‌ها و بخش‌ها فاقد شماره‌بندی است؛ اما به‌طور مشخص شش بخش نخست (این نوع تقسیم‌بندی از ماست) به رفتارهای فرهنگی و تمایلات ادبی، هنری شش پادشاه مغول در حدود زمانی ۱۴۸۳-۱۷۰۷ میلادی پرداخته است: بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاه جهان، اورنگ زیب. در آغاز هر بخش تصویر و چهره‌ی پادشاه مورد نظر قرار دارد که بسیار جالب توجه است؛ اما می‌توانست با کیفیت بهتری ارائه شود. در کنار هر تصویر، توضیحی اجمالی از شرح حال صاحب تصویر ارائه می‌شود که غالباً توضیح و تفسیر تصویر است. این شش بخش که حدود ۴۰ صفحه را در بر می‌گیرد، به تلاش‌های فرهنگی و حمایت‌های پادشاهان مغول می‌پردازد. مؤلف در این بخش از نقل‌قول‌های مستقیم و اشعار زیادی برای توضیح شرایط ادبی و فرهنگی بهره می‌برد. عنوان هر بخش، نام و لقب مشهور پادشاه را است. مثلاً در بخش دوم چنین آمده: ناصرالدین همایون، جنت آشیان «که جاییش در بهشت است» (متن کتاب: ص ۲۵) با این که در متن آلمانی لازم بود جنت آشیان با عبارت بعدی آن توضیح داده شود؛ اما در ترجمه‌ی فارسی - البته برای فارسی‌زبانان - ذکر آن غیرضروری به نظر می‌رسد.

بخش هفتم با عنوان «در مسیر غروب مغول» به حوزه‌ی زمانی ۱۷۰۷ تا ۷۵۸۱ می‌پردازد و به تأثیر زوال سیاسی در عرصه‌ی هنر، ادبیات و فرهنگ اختصاص دارد. با این حال، مؤلف تلاش می‌کند



■ در قلمرو خانان مغول

■ آنه ماری شیمل

■ ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی

■ تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶

جدیدترین اثر ترجمه‌شده‌ی زنده‌یاد آنه ماری شیمل شرق - شناس بزرگ در ایران «در قلمرو خانان مغول» است که پیش از این در سال ۲۰۰۰، در مونیخ با عنوان *Im Reich Der Grossmoguln* به چاپ رسیده است. خانم شیمل در ایران به تحقیق در ادبیات و عرفان ایرانی اسلامی شهرت دارد. از آثار ترجمه‌شده از وی در ایران می‌توان به «شکوه شمس»، «من بادم و تو آتش»، «شعر جهانی آشتی جهانی است» و... اشاره کرد. خانم شیمل هنگامی که دانش‌آموزی شانزده ساله بود، کتابی دست‌نویس در مورد فرهنگ اسلامی نوشت که گویای علاقه‌ی وی به تحقیق درباره‌ی شرق اسلامی بود. وی سال‌ها به تحقیق در مورد شبه‌قاره‌ی هند و به‌طور کلی فرهنگ و تمدن اسلامی در شرق پرداخت و آثار چشمگیری در این زمینه به‌صورت کتاب و مقاله منتشر کرد. از جمله آن‌ها می‌توان به «اسلام در شبه‌قاره‌ی هند، لیدن، ۱۹۸۱»، «اسلام در هند - پاکستان، لیدن،

مؤلف در بخش ملتزمین رکاب پادشاه،
با ارائه‌ی نمودار و نقشه‌ی فرضی اردوگاه دوره‌ی اکبر،
تصویرسازی خوبی در مورد سلسله‌مراتب و محیط و فضای سکونت پادشاه
در دسترس می‌گذارد.

در آن مراتب و سازمان داخلی بخش نظامی و ارتش، مواجه، سیورغال، ارتقای مناصب اصطلاحاتی چون: ذات، سوار، جاگیر عنوان و تشریح شده است. عناوین بعدی این بخش عبارتند از: «ارتش و هنر جنگ»، «مجازات‌ها»، «اقتصاد»، «تجارت». در این بخش‌ها به نوعی سازمان‌های وابسته به حکومت و بخش‌های اداره‌ی سرزمین مغولان هند بررسی می‌شود.

بخش دهم به بحث ادیان و مذاهب موجود در امپراطوری اختصاص دارد. این بخش شامل سه قسمت مشخص است: مذاهب غیراسلامی، گروه‌بندی‌های درونی مذهب اسلام، مراسم مذهبی. در قسمت اول مذاهب و ادیان بومی هندوستان و تعامل آن‌ها با دین اسلام و وضعیت و اعتقادات آن‌ها بحث می‌شود. این مذاهب عبارتند از: هندوئیسم، جین، پارسیان، یهود، سیک، مسیحیت. در قسمت مربوط به فرقه‌های اسلامی، به گروه‌هایی چون: مهدویه، روشنیه، نقطویه و گروه‌های شیعی چون اسماعیلیان، نوربخش‌ها، دوازده امامی و سرانجام به تصوف پرداخته می‌شود. با توجه به این که مؤلف در زمینه‌ی تصوف سال‌ها مطالعه و تحقیق کرده، در بخش تصوف اطلاعات بیشتری نسبت به مذاهب دیگر ارائه می‌دهد و به تأثیر عرفای بزرگی چون جلال‌الدین رومی در شبه-قاره هند می‌پردازد.

بخش یازدهم با عنوان «زنان دربار» با ذکر این نکته که بنای

نیم‌نگاهی به حوادث و بسترهای سیاسی به‌وجود آورنده‌ی این شرایط داشته باشد. مثل تشریح حمله نادرشاه به هندوستان (صص ۴۶۳-۴۶۴). سرانجام این فصل به چیرگی انگلیسی‌ها و فضای روبه زوال شبه‌قاره و مقهور شدن فرهنگ بومی در برابر استعمار انگلستان می‌پردازد.

فصل هشتم به تشریح و تبیین وضعیت دربار پادشاه گورکانی پرداخته است و عنوان «در دربار خان مغول دربار: شرفیابی به حضور خان مغول» نام دارد. این فصل زندگی روزانه‌ی پادشاه سلسله مراتب، امکانات و اسباب مورد استفاده و ضروری دربار و مقررات حاکم بر آن توضیح داده می‌شود. به عنوان مثال، در تهنیت‌گویی چنین آمده است: «اگر به زرده نزدیک می‌شد باید سه بار هرچه نزدیک‌تر می‌شد، تعظیم کند. شخص باید طوری به سمت زمین خم می‌شد که پشت دست راستش با زمین تماس پیدا می‌کرد، سپس وقتی شخص موردنظر بلند می‌شد؛ باید پشت دست را روی پیشانی قرار می‌داد» (ص ۷۱) توضیحات دیگر درباره‌ی پادشاه‌ها و خلعت‌ها، پیشکش‌ها و کیفیت ارائه‌ی آن‌هاست. هم‌چنین این بخش شامل فصل‌های مجزایی با عناوینی چون «مشاغل»، «روابط دیپلماتیک»، «ملتزمین رکاب» نیز هست. مشاغلی چون وکیل، دیوان کل، دیوان تن، مستوفی، بخشی، میرزمان و غیره بررسی شده است. با این حال، مؤلف در محدوده‌ی کار خود ندیده است که به حدود وظایف و مقایسه‌ی این مقامات با آن‌چه در امپراطوری عباسی و حکومت‌های محلی وجود داشته است، بپردازد. ولی آن‌چه در فرایند خدمات این مقامات انجام می‌شد، بررسی شده است. احتمالاً انتخاب واژه‌ی «دیپلماتیک» برای توضیح تعامل بین کشورها، در این دوره اندکی بزرگ باشد. اما به هر صورت این بخش اطلاعات خوبی در مورد آن‌چه از تجربه‌ی روابط خارجی در دوران امپراطوری مغول باقی مانده، در اختیار می‌گذارد. مؤلف در بخش ملتزمین رکاب پادشاه، با ارائه‌ی نمودار و نقشه‌ی فرضی اردوگاه دوره‌ی اکبر، تصویرسازی خوبی در مورد سلسله‌مراتب و محیط و فضای سکونت پادشاه در دسترس می‌گذارد.

بخش نهم با عنوان «در قلمرو خانان مغول» به بخش‌های مختلف امپراطوری و حوزه‌های اداره‌ی آن توجه می‌کند. قسمت‌های مختلف این بخش عبارتند از: «درجات و مقام‌ها» که

با این‌که کتاب تقریباً به حوزه‌های
مطالعاتی مختلف و موضوعات گوناگون
در قلمرو مغولان هند می‌پردازد؛ اما کمتر
به کلی‌گویی پرداخته و در بخش‌های
مختلف تحلیل‌ها و تفسیرهای دقیقی
ارائه شده است.



بخش پانزدهم به رابطه‌ی هنر و سیاست یا فرمانروایان مغولی با عنوان «حمایت از هنرها» می‌پردازد. بی‌تردید انجام هر اقدام هنری و فرهنگی در دوران‌های تاریخی، به حمایت حکومت و مقامات وابسته به دربار نیازمند بود. ازین رو، این بخش تمایلات هنری پادشاهان مغول و پشتیبانی آن‌ها را از هنرمندان در راستای توسعه و شکوفایی هنری روشن می‌سازد. این بخش شامل دو قسمت است: کتاب‌خانه‌ی فرمانروا، نقاشی.

بخش شانزدهم به معماری مغولی و سکونت‌گاه‌های مغولی به صورت باغ‌ها و بناها مربوط می‌شود. بررسی جنبه‌های هنری بناهایی چون تاج محل، آرامگاه‌های شاهان مغول، و قصرها و باغ‌های آن‌ها در این بخش بررسی شده است. به‌طور کلی، این بخش به سه قسمت دیگر تقسیم می‌شود: «بناهای مذهبی» که شامل آرامگاه‌های صوفیان و مساجد است؛ «بناهای معمولی» مثل حمام‌ها، جاده‌ها، کاروان‌سراها و بلغورخانه‌ها (نوعی آشپزخانه جهت فقرا و دوران قحطی)؛ قسمت سوم نیز به «باغ‌های مغول» اختصاص دارد و علاقه‌ی مغولان را به ایجاد مراکز شکار و تفریح-گاه‌ها نشان می‌دهد.

سرانجام در گفتار پایانی، به جمع‌بندی اثر خود با این عبارت که «سلسله‌ی پادشاهان مغول در هند با شعرا آغاز شد و پایان یافت» می‌پردازد. وی پادشاهان مغول را در حد آرمانی ادب و هنرپرور می‌داند. توصیف وی از آن‌ها شرح حکایت هنرمندانی پادشاه است تا پادشاهانی کشورگشا و عالم‌گیر.

تاج محل را شاه جهان برای همسرش ممتاز محل ساخته است، آغاز می‌شود و سپس به توضیح نفوذ و اهمیت زنان در دربار امپراطوران مغول، روابط زناشویی امپراطوران، حقوق شاهزاده خانم‌ها و حضور اجتماعی زنان اشراف و طبقات متوسط پرداخته می‌شود.

بخش دوازدهم عنوان «ملتزمین فرمانروا و امور خانه‌داری» را بر خود دارد و به بحث استفاده و بهره‌مندی دربار و گروه‌های وابسته به آن از امکانات جامعه مانند تولیدات پیشه‌وران و خدمات گروه‌های جامعه پرداخته می‌شود و نشان می‌دهد که تا چه اندازه جامعه در خدمت زندگی مرفه طبقات بالای جامعه بودند. قسمت‌های این بخش عبارتند از: منسوجات، دنیای جواهرات، از آشپزخانه و انباری زیرزمین، الکل و مواد مخدر، سرگرمی و تفریح، عطریات، علم طب، دنیای حیوانات.

در بخش سیزدهم با عنوان «زندگی یک میرزا» با تکیه بر اطلاعات اثری با نام «میرزا نامه» تلاش می‌شود، امتیاز و برجستگی یک میرزا در جامعه بررسی شود.

در بخش چهاردهم به «زبان و ادبیات» تحولات مربوط به این حوزه در طول دوران امپراطوری پرداخته می‌شود. مؤلف در موضوع این بخش دارای تحقیقات و تألیفات برجسته است و در این جا به جمع‌بندی آن‌ها می‌پردازد. فصل‌های این بخش عبارت است از: عربی، ترکی، سانسکریت - هندی، فارسی، پشتو، سندی، پنجابی، اردو. با بررسی هر یک از این بخش‌ها می‌توان به تسلط نویسنده در هر یک از حوزه‌های زبانی موردبررسی پی برد.



نویسه گردد. این اتفاق در مورد «گجرات» نیز اتفاق افتاده است و به صورت «گوجرات» نوشته شده است.

– فعل «جان سپردند» در جمله‌ی «غلام قدیر... دست به وحشتناک‌ترین اعمال زد... در ظرف دو روز ۲۱ شاهزاده و شاهزاده خانم جان سپردند» (ص ۶۶) در حالی که فعل معلوم «کشته شدند» یا نظیر آن در این مورد مناسب‌تر می‌نماید.

– در این جمله «یا این که نامی پیدا کرده می‌شد» که اشاره به توان ویژه‌ی شخص مربوطه داشت» (همان: ۳۷) فعل قابل تردیدی به کار رفته است.

– اشعار بسیار مشهور فارسی که حتی لوح‌های نرم‌افزاری آن نیز موجود است و به راحتی قابل جست‌وجو هستند، از زبان آلمانی ترجمه شده‌اند و به اصل شعر فارسی رجوع نشده است. به عنوان مثال شعر مشهور حافظ در مورد دوران شاه شجاع این‌گونه ترجمه شده است:

شراب نیز شادی می‌بخشد و گل سرخ را پراکنده می‌کند
نوش با طنین رباب! بازرس بسیار سخت‌گیر است!
(همان: ۱۳۲)

در حالی که در غزل ۴۱ دیوان حافظ چنین آمده است:
اگرچه باده فرح‌بخش و باد گل‌بیز است
به بانگ چنگ مخور که محتسب تیز است

به هر حال مترجم به این نکته توجه نداشته است که این شعر درباره‌ی مقام «محتسب» استناد داده شده است و چند خط قبل از آن نیز واژه‌ی محتسب را به کار برده است!

شعر کلیم کاشانی در «تعریف از تفنگ شاه جهان» نیز به همین گونه ترجمه شده است. جالب توجه آن که اصل شعر فارسی گذشته از ظرافت‌های زبانی با آنچه ترجمه شده، تفاوت زیادی دارد:

دارد آن عزت تفنگ ثانی صاحب‌قران
کز شرف خاقان اگر باشد به دوشش می‌برد
هیبتی دارد که با آن اختلاط دایمی
ماشه می‌لرزد به خود تا سر به گوشش می‌برد

شعر در اثر حاضر چنین ترجمه شده است:
تفنگ فرمانروا که خصم را آتش می‌زند
زندگی دشمن را نیز تباہ می‌کند

از دست غرنده‌ی فرمانروا ابر تیره‌ای

با رعد و برق
(همان: ۹۹)

– هم‌چنین بهتر بود در ترجمه‌ی فارسی، تاریخ‌های میلادی متن همراه با تطبیق آن‌ها با تاریخ‌های هجری قمری ذکر شود. امید است که در چاپ‌های بعدی این اثر ملاحظات یاد شده و مواردی که از حوصله‌ی این بررسی خارج است، مورد توجه قرار گیرد.

با این که کتاب تقریباً به حوزه‌های مطالعاتی مختلف و موضوعات گوناگون در قلمرو مغولان هند می‌پردازد؛ اما کمتر به کلی‌گویی پرداخته و در بخش‌های مختلف تحلیل‌ها و تفسیرهای دقیقی ارائه شده است. هم‌چنین در بعضی حوزه‌ها، مؤلف صاحب کتاب‌ها و تحقیقات متعددی است و نظرات عرضه شده نتایج تحقیقات دامنه‌دار وی بوده است.

با وجود این که ترجمه و چاپ این اثر اقدام مؤثری در انجام تحقیقات تاریخی به زبان فارسی است و مترجم تلاش فراوانی در این زمینه صورت داده است؛ اما برای ارائه‌ی ترجمه‌ای شایسته توجه به مواردی ضروری به نظر می‌رسد:

– همان‌طور که در آغاز مقاله نیز ذکر شد عنوان اثر «Im Reich Der Grossmoguln» است که معادل مناسب آن «در قلمرو مغولان بزرگ» است. زیرا Gross در زبان آلمانی به معنی بزرگ و وسیع است و با عنوان سلسله‌ای گورگانیان مناسب می‌نماید. این در حالی است که در ترجمه حاضر عنوان «در قلمرو خانان مغول» آمده است و این عنوان با سرزمین‌های تحت امر فرزندان چنگیزخان بیشتر تطبیق دارد.

– شاید بهتر بود به جای واژه‌ی «کپی کردن قرآن» (متن کتاب: ص ۱۷۰) از «استنساخ» یا «نسخه‌برداری» استفاده شود (هم‌چنین: همان: ۵۸۲)

– معادل «روپیه» به عنوان واحد پول «لاخ» ذکر شده است (همان: ۷۴) که به نظر می‌رسد «لک» صحیح‌تر است. ظاهراً مترجم در واژه lakh حرف h را همراه با k خ بازخوانی کرده است.

– به نظر می‌رسد کاربرد «چشتی» Chishti برای عنوان فرقه‌ای مذهبی معمول‌تر و مناسب‌تر از «چیشتی» باشد. (همان: ۵۳)

– مترجم واژه‌ی Bukhari را به عنوان یکی از کتاب‌های ورد تأیید اهل سنت در زمینه‌ی حدیث «بوخاری» نویسه‌گردانی کرده است (همان: ۱۲۹) در حالی که اگر به نویسه‌های معمول این واژه رجوع شود و یا به خوانش u در سایر واژه‌های این کتاب مثل صدور -sudūr توجه شود، می‌بایست واژه‌ی مورد بحث «بخاری»

اشعار بسیار مشهور فارسی که حتی لوح‌های نرم‌افزاری آن نیز موجود است و به راحتی قابل جست‌وجو هستند، از زبان آلمانی ترجمه شده‌اند و به اصل شعر فارسی رجوع نشده است.